

ضرورت تشکیل حکومت بر مبنای فقه حکومتی از منظر امام علی (علیه السلام)

هادی اسماعیل زاده^۱

حسن فلاح احمد چالی^۲

رحمان ولی زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵، صفحه ۱۳ تا ۲۵ (مقاله پژوهشی)

چکیده

فقه شیعه به عنوان میراثی ارزشمند از فقهای پیشین، همواره بر محور مبانی و اساسی مدون شده، که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی جوامع بوده، به گونه ای که علاوه بر پاسخگویی به مسائل شرعی در حوزه فردی، در بستر کلان و حکومتی نیز در راستای اداره مطلوب جامعه به سوی سعادت دنیوی و اخروی و در نهایت تشکیل تمدن اسلامی که مقدمه آن فقه حکومتی می باشد مورد توجه قرار گرفته است. در تعریف فقه حکومتی علی رغم تعریف های متعدد، فقهی است که مبنای شکل گیری دولت و نهادهای دولتی و نیز مبنای تصمیمات دولت و تعیین کننده شکل، محتوا و جهت گیری مقررات و قوانین دولت است. موضوع مورد بحث، ضرورت تشکیل حکومت بر مبنای فقه حکومتی از منظر کلام امام علی (علیه السلام) است مسأله تشکیل حکومت از اهداف متعالی خلقت و موجب رشد و کمال انسان ها می باشد و همواره مورد توجه انبیای الهی و ائمه اطهار بوده است و ایجاد فقه حکومتی نیز که وجود آن جهت نظم و مدیریت جامعه امری ضروری است در این امر خطیر سهیم هست. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و اطلاعات کتابخانه ای ابتدا به تعریف فقه، حکومت، فقه حکومتی، پرداخته ایم و سپس در انتها به اهمیت و ضرورت تشکیل حکومت بر مبنای فقه حکومتی از دیدگاه کلام امیرالمومنین (ع) اشاره خواهیم کرد.

کلیدواژه ها: ضرورت، حکومت، فقه حکومتی، امام علی (ع).

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی،

بابل، ایران: h951311@gmail.com

۲. استادیار ادیان و عرفان اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل،

ایران (نویسنده مسئول): esmailzadehhadi99@gmail.com

۳. استادیار فقه و حقوق مبانی اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران:

Rahmanvalzadeh30@gmail.com

درآمد

فقه حکومتی به مثابه رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقهاست، و همچنین فقه حکومتی نگرشی کل‌نگر و ناظر به تمام ابواب فقه دارد. از این رو، گستردگی که در فقه حکومتی بحث می‌شود، در برگیرنده تمام مسائل فقه خواهد بود. بر طبق قوانین فقه اسلامی هیچ فردی حق حاکمیت مطلقه برای برپایی قوانین الهی را جز خداوند متعال ندارد، خداوند متعال این حق را با نصب خلیفه و جانشین به انسان‌های برگزیده در دوران حضور یعنی معصومین، و در دوران غیبت با انتصاب از طرف آنان، مسئولیت حکومت بر عهده فقهای شیعه است. در فقه حکومتی، قدرت و ظرفیت‌های قوانین فقه اسلامی برای تشکیل و مدیریت حکومت به خدمت گرفته می‌شوند در واقع، فقه حکومتی به تعبیری بخشی از فقه یا حکومت است و هدف فقه حکومتی، بررسی احکام الهی در همه جنبه‌های نظام و حکومت الهی است و در نگرش به همه احکام فقهی به ابعاد حکومتی نیز توجه دارد و تأثیر احتمالی هر حکم در کیفیت و اداره مناسب نظام و حکومت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (مشکانی، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

ادبیات پژوهش

الف- تعریف فقه

فقه در لغت به معنای، فهم عمیق (لسان العرب، ۱۴۱۲ق: ۳۰۵)، درایت و شناخت عمیق است (ذوالفقاری و سیدیان، ۱۳۹۱: ۵۲) و با علم فرق دارد. بعبارتی، ادراک و استنباط عمیق مقررات عملی اسلامی از منابع و مدارک مربوطه همان فقه است (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۵). در اصطلاح علمی: هو العلم بالاحکام الشریعه الفرعیه عن ادلتها لتفصیلیه. ترجمه علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلیه قرآن، سنت، اجماع، عقل است (شب خیز، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

ب- تعریف حکومت

حکومت در لغت به معنای استحکام و بازداشتن فرد از ظلم و ستمگری است (فراهیدی، ۱۳۶۴: ۶۷). در کتب حقوق اساسی و علوم سیاسی نیز حکومت، عبارت است از سازمان اداری، تشکیلات و نهادهای سیاسی؛ ماند قوه مقننه، قضاییه و اجرائیه (ابن منظور، ۱۳۸۵: ۳).

در تعاریف ارائه شده از حکومت، جدای از نوع دیدگاه‌ها، مترادف‌های حکومت نیز لحاظ شده است و حکومت را با مفاهیم مترادف، هم سنخ دانسته‌اند، یا به عبارت دیگر حکومت را با نام‌های مختلف تعریف کرده‌اند که گاه هر نام خود مفهومی جداگانه دارد که این نوع اندیشه نیز از همان دیدگاه‌های فکری آنان منبعث می‌شود. از جمله مواردی که با حکومت مترادف دانسته‌اند عبارتند از: دولت، رژیم، حاکم، فرمانروا و بسیاری موارد دیگر، که در این میان مفهوم دولت بیش از همه با حکومت

یکسان قلمداد شده است که گاهی در تعریف حکومت و دولت این دو به جای هم ارائه می‌شوند که گاه مراد از دولت همان حکومت است و مراد از حکومت همان دولت است که ما برای روشن شدن دقیق معنای این مفاهیم به بیان تعریف لغوی و مفهوم دولت و حکومت می‌پردازیم.

واژه «دولت» از ماده «دول» به معنای گردیدن است. وقتی گفته می‌شود: «دَأَلَتْ الْإِيَامُ» یعنی ایام گردش کرد، و «دَأَلَتْ لَهُ الدَّوْلَةَ» یعنی مال و ثروت یا پیروزی از آن او شد، و «دَالَ اللَّهُ بَنِي فُلَانٍ مِنْ عَدُوِّهِمْ» یعنی خدا فلان طایفه را بر دشمنانشان پیروز کرد (ابن فارس، ۱۳۸۴: ۳۱۴ - ۳۱۵) در قرآن کریم نیز آمده است: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ»: آن ایام را میان مردم می‌گردانیم (گاهی به قومی و گاهی به قوم دیگری دهیم) (آل عمران: ۱۴۰). «دَوْلَةٌ» به ضم دال و فتح دال دو واژه است و به ضم دال (دَوْلَةٌ) در مورد مال و به فتح دال (دَوْل) در مورد جنگ استفاده می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۳: ۵۰۸). «دَوْلَةٌ» گردیدن زمانه و گردش نیکی و ظفر و غلبه به سوی کسی است ذیل واژه «دولت» (دهخدا، ۱۳۶۷: ۵۲).

ج- فقه حکومتی

۱- فقه حکومتی دانش احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی در چارچوب یک سازمان متشکل مبتنی بر قدرت حاکم در دولت-کشور است (ضیایی فر، ۱۳۹۱: ۱۳۱).

۲- فقه حکومتی دانشی است، که معارف مربوط به نظام‌های اجتماعی یا آموزه‌های مورد نیاز برای اداره جامعه را از منابع دینی استخراج می‌کند لذا از فقه حکومتی، گاه به عنوان فقه نظام‌ها یا فقه‌الاداره یاد می‌شود (پرور، ۱۳۹۰: ۱۹۲).

۳- فقه حکومتی به مثابه یک رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقهی است، که در مقابل روش و رویکرد فردی استنباط احکام قرار می‌گیرد. فقه حکومتی، نگرشی کل‌نگر و ناظر به تمام ابواب فقه است. از این رو، گستره‌ای که در فقه حکومتی بحث می‌شود تمام ابواب و مسائل فقه خواهد بود. در این نگاه، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۰: ۱۸۴ - ۱۸۵).

۴- فقه حکومتی دانش استنباط احکام مربوط به اداره و سرپرستی از طریق نظام‌ها و نرم‌افزارهای اجتماعی از منابع دینی است. این دانش، زمینه‌ها و قواعد جریان یافتن اصول و ارزش‌های دینی در حوزه مدیریت کلان اجتماعی را فراهم می‌سازد (میرباقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۱).

بنابراین فقه حکومتی فقهی است که تبیین الگوی نظام اسلامی در ایجاد روابط گوناگون اجتماعی و مدیریت و هدایت و کنترل آن بر اساس شریعت الهی اسلام را بر عهده دارد. بدین ترتیب واژی

فقه حکومتی به مفهومی اعم از واژه (فقه سیاسی) اشاره دارد؛ زیرا شامل فقه مربوط به سایر نظام‌های اجتماعی؛ نظیر نظام فرهنگی، نظام آموزشی، نظام اقتصادی، و غیره می‌شود (اراکی، ۱۳۹۳: ۷۱).

د- تعریف فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

وفتی در باب مسائل مالی اسلام بحث می‌کنیم، باید این را مورد نظر قرار بدهیم که جامعه اسلامی، نظام اسلامی امور مالیش چگونه بگذرد؟ اگر در باب خمس بحث می‌کنیم، به این لحاظ بحث کنیم که نظام اسلامی از هر کسی چقدر، از چه چیزی و برای چه مصرفی باید بگیرد؟ کما اینکه ظاهر آیاتی که در باب خمس یا زکات «خُدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳). و آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَكَلِّرَسُولٍ وَكَذَلِكَ الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ» (قرآن: ۴۱/۸).

ترجمه: و (ای مؤمنان) بدانید که هر چه غنیمت و فایده برید خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان (از خاندان او) است.

ترجمه: تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا شنوا و داناست (خامنه‌ای، ۱۳۶۶: ۶، ۱۳۶۶).

بحث بر سر امور مسلمان‌ها و جامعه اسلامی است. بحث یک فرد مسلمان بریده از افراد دیگر نیست که حالا من با این یک مشت پولی که دارم، چطور باید رفتار کنم؟ چیزی مهم‌تر اینکه مجتمع عظیم این میلیون‌ها انسان با این نظام، با این حکومت، این‌ها با این درآمد خودشان چگونه باید عمل بکنند؟ درآمد عام و عمومی جامعه اسلامی چیست؟ خمس در این رابطه باید مورد توجه قرار بگیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این موضوع با مطالعات مستندی که از سوی دیگران انجام شده است مورد ملاحظه قرار گرفته و سایر اطلاعات نیز از طریق بررسی‌های کتابخانه‌ای^۶، اینترنتی و مقالات داخلی و خارجی انجام پذیرفت. در شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای^۶ محقق یافته‌های مصاحبه‌ای و کتابخانه‌ای^۶ را گردآوری می‌کند و با استفاده از روش استقرائی به فشرده‌سازی اطلاعات از طریق بخش‌بندی و سپس به تجزیه و تحلیل می‌پردازد و در نهایت حکم صادر می‌کند و پاسخ مسئله تحقیق را به اتکای آنها می‌یابد. روش‌های کتابخانه‌ای^۶ در تمامی تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در بعضی از آنها در بخشی از فرایند تحقیق یعنی مطالعه ادبیات و سوابق پژوهی، استفاده می‌شود^۶ (حافظ‌نیا: ۱۳۹۷، ۱۹۶). عمده‌ترین ابزاری که در تحقیقات کتابخانه‌ای^۶ برای جمع‌آوری اطلاعات از آن استفاده می‌شود. عبارت‌اند از: فیش،

جدول و فرم، پرسش نامه‌ی استخراج اطلاعات، نقشه، کروکی و فایل رایانه (همان منبع: ۲۰۵) در این پژوهش ما بیشتر از ابزار فیش استفاده نموده‌ایم

ضرورت تشکیل حکومت

الف. اهمیت و ضرورت حکومت از منظر کلام امیرالمومنین

از تحقیق در زندگانی بشر آشکار می‌شود که انسان موجودی است اجتماعی که ذاتاً همیشه جویای قدرتی بالا دست بوده تا از او دستور بگیرد و این حکومتی‌پذیری جامعه انسانی را می‌رساند، البته جویای حکومتی است که مطلوب بوده و در آن حقوق افراد پاس داشته شود؛ غافل از اینکه انسان‌ها برای دست یافتن به این آرزوی دیرین خود می‌بایست حول محور خداوند حرکت می‌کردند تا در این راه توفیق یابند نه حول محور خود و این جز گمراهی ثمره‌ای برای بشریت نداشته است و به همین دلیل است که تنها کسانی در مسیر صحیح و راه اصلی سعادت و کمال حرکت نموده‌اند که هر گونه حکومت غیر خدا را شرک دانسته و تنها حول خالق اصلی با اعتقاد به مکتب وحیانی حرکت نموده‌اند و با هدایت‌های انبیاء و اولیاء و فرستادگان خداوند متعال به راه سعادت صعود نموده‌اند. همیشه باید در جامعه حکومتی مطلوب، برای هدایت مردم وجود داشته باشد تا از اختلافات و انحرافات در جامعه جلوگیری شود. در این میان به لطف خداوند کریم و به مدد تلاش‌های فرستاده اش حضرت محمد، دین مقدس اسلام به عنوان کامل‌ترین دین که تمامی دستورات و راه و روش‌های لازم را به ما ارزانی داشته است و ائمه معصومین که بهترین حاکمانند برای سعادت و هدایت و البته تبعیت ما از آنها به انسان‌ها هدیه شده‌اند ائمه معصومین و از جمله حضرت علی (علیه السلام) در نظر داشتند که وجود حکومت و قدرتی که باعث برقراری نظم در جامعه شود و قوانینی که همگان از آن تبعیت کنند ضروری است و در غیر این صورت نابسامانی در جامعه حاکم شده و در رسیدن به هدف مهم سیر به سوی کمال خلل و آسیب وارد می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۶۳)

عملکرد امام علی (علیه السلام) در مقابل تفکرات ضد دولت و ضد قانون گروه خوارج تأکیدی بر اهمیت جایگاه حکومت و قانون در جامعه است. حضرت برای تبیین و تفهیم اهمیت جایگاه و ضرورت دولت در مقابل خوارج که شعار «لا حکم الا لله» را سر داده بودند، کلام آن‌ها را سخنی حق دانستند که از آن امر باطلی را اراده کرده‌اند. چرا که آن‌ها فرمانروایی را جز برای خدا روا نمی‌دانستند در صورتی که مردم باید از نعمت وجود حاکم و قوانین و مقررات برخوردار باشد خواه نیکوکار باشد خواه بدکار و تنها در سایه وجود حکومت است که چه کافران و چه مردم افراد با ایمان می‌توانند به امور خویش پرداخته و از امنیت برخوردار باشند و از تضییع حقوق جلوگیری شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۵). حضرت برای تأکید بیشتر در اهمیت حکومت می‌فرمایند: «اسدٌ حطومٌ خیرٌ من

سَلْطَانِ ظُلُومٍ، وَسُلْطَانِ ظُلُومٍ خَيْرٌ مِنْ فِتْنِ تَدْوَمٍ» شیر درنده از سلطان ستمگر بهتر است، و سلطان ستمگر از فتنه طولانی بهتر است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۹).

نبود حکومت منجر به هرج و مرج و بروز فتنه‌های طولانی می‌شود و حضرت برای تفهیم بهتر اهمیت و ضرورت وجود حکومت، شیر درنده را از هرج و مرج و بی حکومتی بهتر می‌دانند؛ تا جایی که اگر حاکمی جائز و ستمکار باشد، این حکومت ظالمه را بر بی قانونی ترجیح می‌دهند. باید در نظر داشت با توجه به اینکه انسان موجودی اجتماعی است، در محیط اجتماع و در سایه تبادلات فطری و برخورداری از امکانات و درچارچوب مقررات می‌تواند پیشرفت کرده و به موفقیت دست یابد، و در غیر اینصورت هر کدام از افراد در تلاش برای رسیدن به خواسته‌ها و منافع خود ممکن است منافع دیگر افراد را سد راه خود دانسته و درصدد رفع آن برآیند و این باعث هرج و مرج و افسار گسیختگی در جامعه می‌شود. بنابراین باید مقررات و قوانینی حاکم باشد تا هرکس در مسیر خود و در چارچوب قوانین تعیین شده حرکت نماید و زندگی افراد سامان یابد؛ و به عقیده امام دولتی مورد نیاز است که در سایه قوانین آن از تعدی به حقوق و مرزها جلوگیری شود و امنیت برقرار گردد و مردم در آسایش به سربرند.

ب- انواع حکومت‌ها

انسان‌ها در طول تاریخ همواره شاهد تسلط حکومت‌های مختلفی بر مردم بوده‌اند که برخی دینی برخی غیر دینی بوده‌اند در یک تعریف مختصر می‌توان گفت که حکومتی غیر دینی است که احکام و قوانینش طبق اصولی غیر از اصول دینی و اسلامی استوار باشد و حکومت دینی و اسلامی حکومتی است که در برنامه‌ریزی و اجرای قوانین آن اصول و معیارهای دینی و اسلامی رعایت (سلمانی کیاسری، ۱۳۸۵: ۲۹).

و احکام آن با اسلام سازگار باشد و چنین حکومتی است که مورد تایید خداوند و ائمه معصومین می‌باشد. امیرالمومنین در خطبه ۱۳۱ فلسفه تشکیل چنین حکومتی را ذکر کرده و فرموده‌اند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَ لَأَ التَّمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الحُطَامِ، وَلَكِنْ لِنَرْدِ المَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَ نُظْهِرِ الصِّلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ المَطْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تَقَامَ المَعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ»

پروردگارا، تو میدانی که مطالبه و اقدام ما برای بدست آوردن حکومت نه برای تلاش و رقابت در میدان سلطه‌گری بوده و نه برای خواستن زیادتی از مال دنیا. بلکه همه هدف ما ورود به نشانه‌های دین تو و اظهار استصلاح در شهرهای تو بوده است. باشد که بندگان ستمدیده تو امن و امان یابند، و آن کیفرها و احکام تو که از اجرا بازایستاده است، به جریان بیفتد. امام با این بیان شیوا هدف خود

را از پذیرش حکومت، برپایی دین خداوند و اجرای احکام آن، اصلاح شهرها و امنیت مردمان معرفی می‌کنند. از نظر امام علی (علیه السلام) حکومت یا باطل است یا حق. در حکومت باطل هدف، ستمگری، خود کامگی، حاکمیت مطلق و خدایی کردن بر مردم، و شعار انا ربکم الاعلیٰ سر دادن است، که با توجه به فرموده حضرت در چنین حکومتی افراد نالایق، بخیل، جاهل و جفاکاری بر اموال و نوامیس و نفوس و احکام مردم حاکم می‌شوند و امت را به هلاکت می‌رسانند. و اما در حکومت حق که هدف اجرای عدالت و ادای حقوق مردم است لایق‌ترین و کارآمدترین افراد بر مردم حکومت دارند و قوانین با تلاش در جهت وضع و اجرای طبق اصول اسلام، سعی در برپایی عدالت، ادای حقوق مردمان و آزادی و حفظ کرامت انسانی دارند و این همان حکومتی است، که همگان شیفته آن هستند.

ضرورت تشکیل حکومت بر مبنای فقه حکومتی از منظر امام علی (علیه السلام)

الف: تامین سعادت مادی و معنوی و توجه به رشد و تادیب مردم

امام علی (علیه السلام) هدایت و تربیت مردم را از جمله حقوق آن‌ها می‌دانند که فقه حکومتی این وظیفه را بر عهده حکومت قرار داده؛ ایشان مردم و زمامداران را نسبت به یکدیگر مسؤول دانسته و برای هریک حقوقی بر شمرده‌اند، و می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؛ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا». ترجمه: ای مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی است. حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن و نیک‌خواهی شماست و غنایم را به تمامی، میان شما تقسیم کردن و تعلیم دادن شماست تا جاهل نمانید و تادیب شماست تا بیاموزید.

ب: اقامه حق و دفع باطل

از مهم‌ترین اهداف تشکیل حکومت امیرالمومنین بر مبنای فقه حکومتی اقامه حق و دفع باطل بود این مطلب را می‌توان از کلام ابن عباس فهمید که نقل می‌کند: «قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) بَدَى قَارَ وَ هُوَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ، فَقَالَ لِي مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ؟ فَقُلْتُ لَا قِيمَةَ لَهَا. فَقَالَ (علیه السلام) وَ اللَّهُ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا». ترجمه: ابن عباس می‌گوید در سرزمین «ذی قار»، خدمت امام رفتم که داشت کفش خود را پینه می‌زد، تا مرا دید، فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم بهایی ندارد. فرمود: به خدا سوگند، همین کفش بی‌ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است مگر اینکه حقی را با آن به پا دارم، یا باطلی را دفع نمایم.

ج: تحقق عدالت

یکی از اهداف شکل‌گیری حکومت اسلامی در جهت رشد فقه حکومتی احیاء و صیانت از حقوق مردم یا همان حقوق عامه است و این امر جز از طریق اجرای عدالت ممکن نخواهد بود چنانکه مولایمان درباره‌ی اهمیت عدالت در نامه ۵۳ می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنٍ الْوَلَاةَ اسْتِقَامَةَ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ، وَظُهُورَ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ؛ وَإِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ، وَلَا تَصِحُّ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَيْطَتِهِمْ عَلَى وِلَاةِ الْأُمُورِ، وَقَلَّةِ اسْتِقْطَالِ دَوْلِهِمْ، وَتَرْكِ اسْتِبْطَاءِ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِمْ؛ فَافْسَحْ فِي أَمَالِهِمْ، وَوَأَصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ» (بدان) برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران می‌شود برقراری عدالت در همه بلاد و آشکار شدن علاقه و محبت رعایا به آنهاست و محبت و علاقه رعایا نسبت به آنها جز با پاک‌ی دل‌هایشان (و بر طرف شدن هرگونه سوء ظن به زمامداران) آشکار نمی‌شود و خیرخواهی آنها در صورتی کاملاً مفید واقع می‌شود که با میل خود گرداگرد زمامداران جمع شوند و حکومت آنها بر ایشان سنگین نباشد و انتظار پایان گرفتن مدت حکومتشان را نکشند، بنابراین میدان آرزوها را (برای زندگی) در برابر سپاهت وسعت بخش.

د: تأمین امنیت

به عقیده امام علی (علیه السلام) برقراری نظم و امنیت در جامعه جز در سایه وجود حکومت و قانون امکان پذیر نیست. بنابر دیدگاه فقه حکومتی در کلام امام، اگر حکومت و قانون نامطلوب هم که باشد، باز هم بهتر و ضررهایش کمتر از نبود حکومت و به تبع آن هرج و مرج و بی‌قانونی و فتنه است؛ چرا که فلسفه فقه حکومتی نظام‌سازی بر پایه تشکیل حکومت است. حکومت بدون امنیت، حکومت نیست و یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آنها است. امنیت سنگ‌زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش شرط هرگونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. چنانکه امیرالمومنین در خطبه ۴۰ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ... وَ يَقَاتِلُ بِه الْعَدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِه السَّبِيلُ وَ يُؤْخَذُ بِه لِلضَّعِيفِ»؛

به ناچار برای مردم امیری لازم است؛ خواه نیکوکار یا بدکار، تا به وسیله او با دشمن جنگ شود و راه‌ها امن گردد و حقوق ضعفا از اقویا گرفته شود و نیکوکاران در رفاه باشند و از شر بدکاران آسایش داشته باشند.

در این بیان نورانی، امام (علیه السلام)، فلسفه حکومت و ضرورت آن را بیان می‌فرماید و از اهداف و اصول آن برقراری امنیت، دفاع و مقابله با دشمنان، حمایت از حقوق مظلومان و ستم‌دیدگان و مقابله با ستمگران و متجاوزان و تأمین رفاه و آسایش و آرامش و امنیت جامعه و جمع‌آوری

بیت‌المال و مصرف صحیح آن را برمی‌شمرد، که با هرج و مرج و تهاجم دشمنان و زورگویی قلدوران به مبارزه برخیزد و حقوق محرومان را تأمین نماید.

ذ: وحدت در پرتو تشکیل حکومت

با مراجعه به کلمات حضرت چنین می‌توان استنباط نمود که «اتحاد» امری فطری و طبیعی می‌باشد و انسان با روحیه نوع دوستی پدید آمده است. «اتحاد» ریشه در فطرت انسان دارد. در خطبه ۱۱۳ نهج البلاغه آمده است: «شما براساس دین خدا برادران یکدیگرید، چیزی جز آلودگی درون‌ها و بدی نیت‌ها، شما را از هم جدا نکرده است، به همین دلیل یکدیگر را یاری نمی‌دهید، و خیرخواهی هم نمی‌کنید و به یکدیگر بذل و بخشش ندارید و باهم دوستی نمی‌ورزید». گرچه وحدت‌گرایی فطری است، اما امور فطری نیازمند پرورش و توجه می‌باشد و بی‌توجهی و عدم اهتمام به آن، موجب این می‌شود که شکوفا نگردد و یا در معرض تندبادهای روزگار قرار گیرد، به همین جهت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) برای تقویت این امر فطری در بین امت پیامبر، بسیار تلاش می‌نمود و خود را مشتاق‌ترین شخص به وحدت اسلامی به شمار می‌آورد که با صراحت به پیشتازی در این زمینه اشاره نموده است: «بدان هیچ‌کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد(ص) حریص‌تر نیست، من در این کار خواستار پاداش نیکو و بازگشت به جایگاه نیکو هستم» (نامه، ۶۹).

در بینش الهی و فقه حکومتی امام علی (علیه السلام) حکومت اسلامی، نقش مؤثری در ایجاد وحدت و یکپارچگی امت دارد؛ زیرا امتی که با داشتن هدف الهی، در مسیر تکامل فقهی گام برمی‌دارد، به ناچار باید به رهبری تمسک جوید که تبلوری از آرمان الهی و مورد قبول و پذیرش و مقتدا، و دلیل تحرک و پویایی جامعه باشد. امام با اشاره به سیاستی که زمامدار جهت حفظ نظام باید به کار گیرد، لزوم حکومت و نقش آن در وحدت امت را چنین بیان می‌فرماید: «وَمَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ، فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدِّ أَفِيرِهِ أَبَدًا» نقش زمامدار نسبت به ملت، مانند رشته‌ای است که مهره‌ها را گرد آورده و به یکدیگر پیوند می‌دهد. اگر رشته بگسلد، دانه‌ها از هم می‌پاشند و به تمامی گرد نمی‌آیند (خطبه، ۱۴۶).

ر: تأمین رفاه عمومی

امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) در خطبه ۳۴ وظیفه و تعهد دولت در برابر ملت را و یکی از نمودهای فقه حکومتی بر محوریت اقتصادی، تأمین رفاه در زندگی همه مردم می‌شمارد که با ایجاد اشتغال و رونق دادن به کشت و کار و صنعت و تجارت و بالا بردن سطح درآمدها و ریشه‌کن ساختن بیکاری، میسر است. فقه حکومتی در بخش اقتصادی، علاوه بر کوشش در تأمین بودجه لازم برای

اداره کشور، در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی و غیره، باید در فراهم ساختن امکانات مورد نیاز برای رشد اقتصادی کشور، با تمام توان بکوشد.

امکاناتی را که در گسترش و بهبود کشاورزی مؤثر است، به طور گسترده در اختیار کشاورزان قرار دهد، و شرایط لازم برای بهبود بخشیدن به وضع کشاورزی فراهم سازد، و کاستی‌ها را برطرف کند. نه آنکه آنان را که بیشتر ناآگاه یا مستضعفند، به خودشان واگذار نماید. بلکه باید همواره و بطور مستمر، دولت نظارت کارشناسانه بر پیشرفت کشاورزی داشته باشد.

همچنین در بُعد صنعت برای تأسیس کارخانه‌های صنعتی خرد و کلان تا سرحد بی‌نیازی از وارد کردن فرآورده‌های صنعتی مورد نیاز عموم بکوشد. و در بُعد تجارت داخلی و خارجی و جذب سرمایه‌ها و به کار انداختن آن‌ها، و ایجاد توازن بین درآمد عمومی و مصرف، و توزیع عادلانه ثروت و بالا بردن سطح درآمد سرانه آحاد ملت، زیر نظر کارشناسان خبره و دلسوز اقدام نماید. استفاده حکیمانه از ثروت‌های ملی و طبیعی و اندوخته‌های خدادادی، و دادن مجال به مردم در بهره‌برداری از آنها در چارچوب مقررات و زیر نظر مستقیم دولت، از دیگر اقدامات ضروری فقه حکومتی بر مبنای اقتصاد است.

ز: نفی استبداد و خودکامگی

در دین اسلام به محبت تاکید بسیار شده و امام (علیه السلام) در سراسر نهج البلاغه به اهمیت محبت اشاره کرده بنا بر فقه حکومتی، دولتی تداوم دارد که مبنای فقهی را با استفاده از اصل محبت اجرا کند، امام در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر درباره شیوه حکمرانی می‌فرماید: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلُّ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ وَيُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطِئِ فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَإِلَى الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وُلَاكَ وَقَدْ اسْتَكْفَاكَ أَمْرُهُمْ وَإِبْتَلَاكَ بِهِمْ». مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان‌گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر، و امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است، که انجام امور مردم

مصر را به تو واگذارده، و آنان را وسیله آزمون تو قرار داده است؛ و همچنین در حکمت ۱۰می- فرمایند: «خَالَطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِتُّمُ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عِشْتُمْ حُنُوا إِلَيْكُمْ». ترجمه: امام (علیه السلام) فرمود: آن گونه با مردم معاشرت کنید که اگر بمیرید بر مرگ شما اشک بریزند و اگر زنده بمانید به شما عشق ورزند. و در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر ایشان را از هرگونه خود بزرگی بینی و خودکامگی منع می‌کند و خطاب به ایشان می‌فرماید:

«وَلَا تَنْصِبَنَّ نَفْسَكَ لِحَرْبِ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا يَدُ لَكَ بِنَفْسَتِهِ وَلَا غِنَىٰ بَكَ عَنْ عَفْوِهِ وَرَحْمَتِهِ وَلَا تَتَدَمَّنْ عَلَىٰ عَفْوٍ وَلَا تَبْجَحَنَّ بِعُقُوبِهِ وَلَا تُسْرِعَنَّ إِلَىٰ بَادِرَةٍ وَجَدْتَ مِنْهَا مَنُذُوحَةً وَلَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَاطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ وَإِذَا أُحْدِثَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أَبْهَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانظُرْ إِلَىٰ عَظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ وَقُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَىٰ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ وَيَكْفُ عَنكَ مِنْ غُرْبِكَ وَيَقِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنكَ مِنْ عَقْلِكَ». هرگز با خدا مستیز، که تو را از کیفر او نجاتی نیست، و از بخشش و رحمت او بی نیاز نخواهی بود. بر بخشش دیگران پشیمان باش، و از کیفر کردن شادی مکن، و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش. به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود، که این گونه خود بزرگ بینی دل را فاسد، و دین را پژمرده، و موجب زوال نعمت‌هاست. و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، و تندروی تو را فرو می‌نشانند، و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند.

ژ: حفظ کرامت انسانی

با نگاهی کلان درمی‌یابیم که تمامی مباحث فقهی برای کرامت بخشیدن و احترام به انسان‌ها ایجاد شده‌اند، وظیفه فقه حکومتی گرامی داشتن این حق، که جز در راستای حکومتی شدن احکام فقهی میسر نخواهد شد.

انسان‌ها بالاتر از حق حیات، دارای حق کرامتند. این حق امری ثابت و زوالناپذیر است. کرامت یعنی اینکه انسان دارای شرف و عزت و حیثیت ارزشی است. بنابراین افراد در سایه آن از عزت برخوردارند و ارزشمندند، و بخصوص که انسان‌ها دارای موهبت‌ها و ارزش‌هایی چون، عقل، احساس و استعداد کمال و وجدان نیز می‌باشند بنابراین لزوم حفظ و رعایت کرامت انسانی برای او بیشتر به عنوان یک موجود ارزشمند دو چندان می‌شود. این حق باید توسط حاکمان نیز محترم شمرده شود و از دید امام علی (علیه السلام) یکی از اهداف حکومت اسلامی حفظ کرامت مردمان است؛ بنابراین

حکومتی دینی و اسلامی است که در آن مردم احساس عزت و ارزش نمایند نه این که احساس حقارت و بی‌اعتباری کنند (سلمانی کیاسری، ۱۳۸۵: ۷۲).

محمد بن جعفر العقبی "نقل می‌کند که امیرالمؤمنین در خطبه‌ای می‌فرمودند: «یا أيها الناس! إن آدم لم یلد عبداً و الأُمه و إن الناس کُلهم أحرار و لكن الله خول بعضکم بعضاً» ای مردم! به راستی که آدم برده و کنیزی به دنیا نیآورده است و مردم در حقیقت آزاده‌اند اما خداوند شماها را به یکدیگر واگذار کرد (انجام کارهای همدیگر را دهید) (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۳۴۲). بنابراین حاکمان باید در سایه برقراری رابطه با مردم، به بهره‌گیری از عقل جمعی بپردازند و این خود نشانه‌ای از ارزش‌گذاری و حفظ کرامت انسانی نسبت به افراد تحت حکومت است.

بنابراین جایگاه حکومت عادل و قوانین عادلانه در زندگی انسان اساسی‌ترین جایگاه است. ضرورت لزوم برپایی حکومت و قوانین و مقررات در نظر امام آن اندازه است که حضرت تلاش مردم برای تشکیل فقه حکومتی را بر هرکاری مقدم می‌دانند. از مردم می‌خواهند که دست به هیچ کاری نزنند تا تکلیف دولت و حکومت معلوم گردد چرا که همه چیز مردم در گرو حکومتی است که تشکیل می‌شود.

نتیجه

باید توجه داشت که مسئله تشکیل حکومت یک امر ذاتی است و انسان‌ها فطرتاً حکومت پذیرند و اینکه حکومت عامل مؤثری برای کمال انسان‌هاست بسیار حائز اهمیت است و انبیای الهی و ائمه اطهار نیز به عنوان رهبران مردم همواره جهت تشکیل حکومت برای آنها برگزیده شده‌اند. در پژوهش حاضر با استفاده از مفاهیمی چون فقه حکومتی، حکومت ابتدا به اهمیت و ضرورت تشکیل حکومت بر مبنای فقه حکومتی از منظر کلام امیرالمؤمنین پرداخته شده سپس به دلایل تشکیل حکومت از جمله، تامین سعادت مادی، اقامه حق و دفع باطل، تحقق عدالت، تامین امنیت، وحدت، رفاه عمومی، نفی استبداد و حفظ کرامت اشاره شده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۳)، «آرمان‌های حکومت از دیدگاه امام علی»، *مجله کوثر*، ص ۳۴۲.
۴. اراکی، محسن (۱۳۹۳)، *فقه نظام سیاسی اسلام*، جلد ۴، قم: انتشارات معارف ۳۶.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا (۱۳۸۷ق)، *معجم مقاییس اللغه*، چاپ اول. قم: مرکز دراسات الحوزه والجامعه.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۸۵)، *لسان العرب*، ۲۰ جلد، اول، انتشارات احیاء التراث العربی، بیروت.
۷. پرور، اسماعیل (۱۳۹۰)، «فقه حکومتی چرایی، چیستی و چگونگی»، *سوره اندیشه*، دوره شماره ۵۶ و ۵۷، ۱۹۵-۱۹۲.
۸. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۷)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت.
۹. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۶)، *بیانات در دیدار با جمعی از علماء و روحانیون و طلاب*،
<https://farsnews.ir/news> (access ۳۱-۷-۲۰۲۴)
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷)، *دولت آفتاب*، تهران: خانه اندیشه جوان.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۰)، *جزوه حکومت و مدیریت در نهج البلاغه*، شهرری: دانشکده علوم حدیث.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، *لغت‌نامه جلد چهارم*، چاپ اول، تهران: سازمان لغت‌نامه دهخدا.
۱۳. ذوالفقاری، محمد، سیدیان، سید مهدی (۱۳۹۱)، «فقه حکومتی؛ چیستی، چرایی، چگونگی»، *معرفت سیاسی*، دوره چهارم، شماره ۱، ۶۷-۴۹.
۱۴. سلمانی کیاسری، محمد (۱۳۸۵)، *حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۵. شب‌خیز، محمدرضا (۱۳۹۲)، *اصول فقه دانشگاهی*، چاپ دوم، انتشارات کتاب آوا، تهران.
۱۶. ضیایی فر، سعید (۱۳۹۱)، «رویکرد حکومتی به فقه»، *علوم سیاسی*، دوره ۱۴، شماره ۵۳، ۳۱-۷.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۶۴)، *العین*، ۸ جلد، چاپ اول، انتشارات اسوه، تهران.
۱۸. مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۰)، *درآمدی بر فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری*، *حکومت اسلامی*، دوره ۱۶، شماره ۲، ۱۸۴-۱۵۵.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، جلد صد و چهارم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *آشنایی با علوم اسلامی*، چاپ اول، انتشارات صدرا، تهران.
۲۱. میرباقری، سید محمد مهدی؛ عبدالهی، یحیی؛ نوروزی، حسن (۱۳۹۵)، «فقه حکومتی از منظر شهید صدر»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۳۶، ۸۶-۶۱.